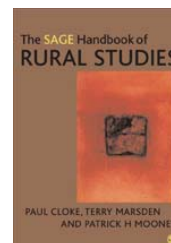




بررسی کتاب

The Sage Handbook of Rural Studies/ Edited by Paul Cloke, Terry Marsden and Patrick H. Mooney, London: Sage, 2006, 511 p.

کتاب راهنمای مطالعات روستایی / ویرایشگران پل کلوک، تری مارسدن و پاتریک اچ. مونی، لندن: سیج، ۲۰۰۶، ۵۱۱ ص.



حوزه عمل علوم اجتماعی در دوران معاصر، تا ۳۰ سال پیش عمدتاً به سمت مطالعات شهری گرایش داشت. نقش شهر به عنوان کانون فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، اغلب به معنای نادیده گرفته شدن روستاها بود. اما از آن هنگام تا کنون مطالعات روستایی به نوعی احیا شده‌اند. نه تنها ماهیت متغیر روستا در محیط‌های گوناگون به طور همه‌جانبه مورد توجه قرار گرفته، بلکه نظریه‌پردازی و اندیشه‌ورزی در حوزه روستایی به سرعت افزایش یافته است.

اما این تصویر، تنها بخشی از واقعیت را منعکس می‌کند. در واقع، مطالعات روستایی اغلب در داخل محدوده رشته‌ها یا زیررشته‌ها انجام می‌شوند، و معمولاً جایگاه کتاب‌ها و مقالاتی که پژوهشگران روستایی منتشر می‌کنند، از لحاظ تقسیمات رشته‌ای متنوع و پراکنده است. همچنین این متون غالباً در مرزهای زیررشته‌ها محدود می‌شوند، که این امر امکان تعامل و برقراری ارتباط را، چه در سطح عمل و چه در سطح اندیشه، هم در میان پژوهشگران روستایی، و هم در بین متخصصان مسائل

روستایی و دیگر متخصصان علوم اجتماعی تضعیف می‌کند. در حقیقت، نه تنها مطرح کردن پژوهش‌های روستایی در سطح مخاطبانی گسترده‌تر، بلکه تقویت جایگاه بین‌رشته‌ای این پژوهش‌ها و دستاوردهای حاصل از خلاقیت‌های نظری و تجربی آنها طی سال‌های اخیر، به چالش مهمی تبدیل شده است.

به نظر می‌رسد که «کتاب راهنمای مطالعات روستایی» به عنوان تلاشی برای دستیابی به این هر دو هدف تدوین شده است تا بتواند استحکام و نوآوری نظری مطالعات روستایی جوامع پیشرفته را منعکس سازد. ویرایشگران کتاب برآنند تا هیجان فکری را که از کاربرد نظریه‌پردازی‌های جدید در حوزه توسعه روستایی، در دهه گذشته نشأت گرفته است، به اختصار تشریح کنند. علاوه بر این، کتاب نه تنها جریان افکار و آرا به سمت مطالعات روستایی را آشکار می‌کند، بلکه بزنگاه‌های مهمی را که در آنها نظریه‌پردازی‌ها در حوزه فرهنگ، طبیعت، سیاست، عمل، و فضا در محیط روستایی، افکار و آرا را به حوزه وسیع‌تر مباحث علوم اجتماعی منتقل می‌کنند، روشن می‌سازد. بدین ترتیب، در این کتاب تلاش می‌شود تا هم به مؤلفه‌های اساسی پژوهش‌های روستایی معاصر که متکی به نظریه هستند، پرداخته شود و هم به روندهای نظریه و پژوهش که رفته رفته پدیدار می‌شوند.

برای دستیابی به این هدف، آنچه مهم است، درک اهمیت موانع موجود بر سر راه مطالعات روستایی بین‌رشته‌ای است. در داخل یک کشور خاص همه روستاها یکسان نیستند. حتی در حیطه یک رشته خاص، پژوهشگران مسائل روستایی چارچوب‌های نظری، فلسفی، و روشی یکسانی را اتخاذ نمی‌کنند. همه موضوعات مهمی که هرازچندگاه در روستاها بروز پیدا می‌کنند، حتی در بافت‌های مشابه، چهره یکسانی به خود نمی‌گیرند. ویرایشگران کتاب حتی به این نکته اشاره می‌کنند که در این کتاب نویسندگانی از ملیت‌ها و رشته‌های مختلف گرد هم آمده‌اند؛ با این همه، بسیاری از دیدگاه‌های مطرح شده، تنگ‌نظرانه و محدود به چارچوب‌های فکری خاص هستند؛ اما استقبال این نویسندگان از ارائه مقاله در کتاب حاضر را نشان‌دهنده تأیید گوناگونی و شوروشوق خاص مطالعات روستایی می‌دانند و اظهار امیدواری می‌کنند که مقالات

عرضه‌شده در کتاب، زمینه‌ای باشند برای بحث بیشتر درباره آن گوناگونی‌ها و اشتیاق‌ها.

این کتاب همچنین دربردارنده مروری گذشته‌نگر و آینده‌نگر بر مطالعات روستایی است که بر بحث انتقادی نقش نظریه در توسعه مطالعات روستایی و احتمال وقوع آنها متمرکز است. نویسندگان به منظور درگیر کردن خوانندگان با ماهیت بین‌رشته‌ای مطالعات روستایی، بر تنوع نظری و تجربی پژوهش در این حوزه، و بر پیوندهای متقابلی که می‌توان بین گرایش‌های گوناگون در چارچوب این تنوع برقرار کرد، تأکید می‌کنند. آنان کوشیده‌اند تا با بررسی زمینه‌های اصلی پیوستگی و گسستگی در نظریه-پردازی‌هایی که به حوزه مطالعات روستایی راه پیدا کرده‌اند، و نیز با جستجوی راه‌هایی که پژوهش‌های نوین با هدف مشخص ساختن تأثیر و تأثر نظری با علوم اجتماعی وسیع‌تر در پیش می‌گیرند، توسعه آتی مطالعات روستایی، برنامه‌ریزی، و مشکلات آن را تبیین کنند. در این حالت، پژوهشگران غیرروستایی که درگیر دل‌مشغولی‌های کلان برخاسته از نااطمینانی‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی هستند نیز می‌توانند این کتاب را بخوانند.

کتاب حاوی ۳۵ فصل است که در سه بخش سازمان‌دهی شده‌اند. در بخش اول با عنوان «رویکردهای مطالعات روستایی»، افقی گذشته‌نگر از مطالعات روستایی ترسیم شده است. در این بخش چگونگی تغذیه فکری دانش روستایی، و بهره‌گیری مفهوم روابط روستایی از شاخه‌ها و انگیزش‌های نظری مختلف در اواخر قرن بیستم، به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. در این بخش همچنین مسیرهای اصلی راهیابی به روستا، یعنی فضای روستایی، جامعه روستایی، اقتصاد روستایی، سیاست و برنامه‌ریزی روستایی بررسی شده است. فصل‌های مختلف این بخش، شالوده‌ای برای مقالات بخش بعدی، و مبنایی برای ارزیابی پیشرفت مطالعات روستایی در سه دهه اخیر فراهم می‌کنند.

بخش دوم که بیشتر حجم کتاب را به خود اختصاص داده، شامل مجموعه‌ای از

مختصات نظری کلیدی است که به هر کدام از آنها در سه فصل به تفصیل پرداخته می‌شود؛ و هر یک از این سه فصل به لحاظ کانون توجه پژوهشی و قالب، از دیگر فصل‌ها متفاوت است. در این بخش جدیدترین بررسی‌هایی که در مورد ابعاد گوناگون مطالعات روستایی صورت گرفته است، مطرح می‌شود. هر گروه از فصل‌ها دربردارنده یک ارزیابی انتقادی از مجموعه‌های گوناگون موضوعات نظری و تجربی در حوزه روش‌های اصلی پژوهش است. این روش‌ها ضرورتاً بین‌بخشی هستند، و توجهات را به سمت مجموعه تلاش‌های خلاقانه در پژوهش‌های روستایی جلب می‌کنند، و نیز میان این تلاش‌ها و بحث‌های فراگیرتر در حوزه علوم اجتماعی - بازنمود فرهنگی، طبیعت، پایداری، اقتصاد نوین، قدرت، مصرف‌گرایی نوین، هویت، و طرد- پیوند برقرار می‌کنند.

در بخش سوم بر مسئله شکل‌بندی‌های جدید روابط روستایی تأکید می‌شود. ویرایشگران کتاب، این شکل‌بندی‌ها را تنها نقطه شروعی می‌دانند که می‌بایست در حوزه مطالعات روستایی بسط یابند. به نظر آنان کشف راه‌های جدید اندیشیدن به مسائل روستایی و عملی کردن اندیشه‌ها ضروری به نظر می‌رسد. جنبش‌های اجتماعی روستایی، و بی‌چون‌وچرا بودن عادات روستاییان از دیگر مباحث این بخش است. ویرایشگران مدعی نیستند که چهار مقاله این بخش به طور جامع به این موضوع جدید می‌پردازند؛ اما معتقدند که مقالات یادشده رگه‌هایی مهم و جدید هستند که توجهات بیشتری را به لحاظ نظری و تجربی طلب می‌کنند.

مطالعات روستایی به مرحله‌ای رسیده‌اند که شایسته برنامه‌ریزی تفصیلی و بررسی دقیق باشند. ویرایشگران ابراز امیدواری می‌کنند که این کتاب بتواند منبع مناسبی برای این امر خطیر باشد. آنان در عین حال، ضرورت این را که مطالعات روستایی همچنان نوآورانه، پویا، و انتقادی باشند، می‌پذیرند. این امر ممکن است مستلزم وارد کردن جدیدترین بینش‌های نظری و فلسفی که در حوزه مطالعات شهری شکل گرفته‌اند، باشد، و نیز ممکن است به معنای کشف مجدد رویکردهای پیشین برای به حداکثر رسانیدن ظرفیت بالقوه بینش آنها در قبال روابط در حال تغییر روستایی باشد. اما آنان

بیشتر به این امید بسته‌اند که پژوهشگران روستایی بیش از پیش، به جای آنکه پذیرنده صرف قواعد حوزه‌های مطالعاتی شهری باشند، خود به صادرکننده بینش‌های نظری بدل شوند.

در مجموع می‌توان گفت این کتاب که بررسی ارزشمندی از روابط روستایی از چشم‌اندازهای نظری گوناگون است، سطح نظری مطالعات روستایی را بالا می‌برد و از مهم‌ترین منابعی است که تا کنون در این زمینه نگاشته شده است. کتاب، فضاهای روستایی، جوامع روستایی و طبیعت روستا را در خط مقدم مطالعات علوم اجتماعی قرار می‌دهد و به نقد و بررسی جامع نظریه‌ها، پژوهش‌ها و مطالعات مسائل روستایی می‌پردازد. تغییر روستاییان و روستاها در اقتصادی که جهانی شده و به سرعت رو به شهری شدن می‌رود، در کتاب مورد توجه قرار دارد و می‌توان آن را جامع‌ترین بررسی بین‌رشته‌ای روستاها دانست. این امر حکایت از آن دارد که نویسندگان، خواهان جایگاهی برجسته برای «روستا» در گفتمان‌های تحقیقی، تحلیل‌های نهادی، و بحث‌های مربوط به اقتصاد سیاسی مکان هستند.

ویرایشگران کتاب عبارت‌اند از: پل کلوک استاد جغرافیای انسانی در بخش جغرافی دانشگاه اگزتر انگلستان؛ تری مارسدن استاد سیاست و برنامه‌ریزی زیست‌محیطی مدرسه عالی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه کاردیف انگلستان؛ و پاتریک اچ. مونی استاد جامعه‌شناسی در بخش جامعه‌شناسی دانشگاه کنتاکی ایالات متحده.

علاوه بر ویرایشگران، نویسندگان کتاب نیز همگی از کشورهای توسعه یافته و شمال هستند و از همین رو بیشتر یافته‌ها، مباحث و تحلیل‌های کتاب، حول تجارب این گروه از کشورها متمرکز است. اما سازمان‌دهی، طبقه‌بندی، شیوه ورود به مباحث، و سرفصل‌ها جنبه عام دارند و کاملاً برای مخاطبان جنوب قابل استفاده‌اند. فرآیندهای تشریح شده در فصل‌های مختلف کتاب، مبتلابه بسیاری از کشورها چه در مرکز و چه در پیرامون هستند. به عنوان مثال در موضوع فقر، ذکر اینکه فقر روستایی در کشورهای در حال توسعه دقیقاً مشابه وضعیت کشورهای توسعه یافته است، سخنی ناصواب می‌-

نماید، اما در نظام اقتصادی جهانی که به هم پیوستگی اجزای آن روز به روز بیشتر می‌شود، تشابه بسیاری از فرآیندها قابل پیش‌بینی و حتی در حال حاضر مشهود است. در مورد نگارش مقالات می‌توان گفت که نثر بیشتر آنها، قدری پیچیده به نظر می‌رسد، این امر تا حدودی ناشی از تازگی و بکر بودن بسیاری از مفاهیم مطروحه است، و بنابراین، مطالعه آنها وقت، علاقه، تسلط بیشتر به زبان انگلیسی، و تبحر بیشتر در موضوع را طلب می‌کند.

نهایتاً اینکه مخاطبان کتاب، دانشجویان (به‌ویژه دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های جامعه‌شناسی روستایی و جغرافیای روستایی)، پژوهشگران، سیاست‌گذاران، دست‌اندرکاران، و فعالان توسعه روستایی هستند.

مهدی گنجیان

* * *

مردم‌شناسی سازمان‌ها (مجموعه مقالات) / ویرایشگر سوزان رایت، مترجم پیروز ایزدی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۸۵، ۱۲۱ص.



تدوین این کتاب به واسطه سلسله همایش‌هایی بود که سوزان رایت و مارک اسولیوان برای GAPP (گروه مردم‌شناسی در سیاست و عمل) تشکیل دادند. این گروه در سال ۱۹۸۱ به عنوان سازمانی ملی به منظور پر کردن خلأ بین مردم‌شناسان دانشگاهی و غیردانشگاهی و ایجاد شبکه‌ای در بین مردم‌شناسانی که از رشته خود در سیاست و عمل استفاده می‌کردند و نیز انتقال این تجربیات به دانشجویان و کمک به آموزش و تربیت آنان در یادگیری مهارت‌هایی که برای استخدام در چنین سازمانی مورد نیاز است، تأسیس شد.

محور مقاله اول بر موضوعاتی از قبیل تأثیر رشته مردم‌شناسی بر مطالعه سازمان‌های دولتی، غیردولتی و بخش خصوصی در جهان سوم و غرب استوار است که با عنوان «فرهنگ در انسان‌شناسی و مطالعات سازمانی» توسط سوزان رایت نگاشته شده است. مقاله دوم با عنوان «مقدمه‌ای بر مبحث مدیریت بومی» را دیوید مارسدن نوشته است و در آن مباحثی مانند مدیریت بومی و سازماندهی مجدد سرمایه و نقش دولت بر سازمان‌های داوطلبانه و غیردولتی و ابتکارات محلی بررسی شده‌اند. همچنین این موضوعات سؤالات بیشتری در این باره مطرح می‌کنند که آیا نهادهای بومی می‌توانند نقش محوری‌تری در ابتکارات توسعه ایفا کنند و آیا راه حل‌های ارائه شده توسط شمال، مناسب و مفیدند؟

عنوان مقاله سوم «مدیریت بومی و مدیریت دانش بومی» است. در این فصل سعی می‌شود که برخی از پیچیدگی‌های مفهوم «مدیریت بومی» آشکارتر شود که روشی امکان‌پذیر در جهت نهادسازی و ایجاد ظرفیت پایدار تلقی می‌شود. این تحلیل‌ها، برداشت‌های مختلف از واقعیت و طبعاً توسعه است که باید همراه با یکدیگر مدنظر باشد. در این مقاله موضوعاتی هم‌چون مشکلات تعریف افراد بومی، بومی‌سازی مدیریت، چشم‌اندازهای نظری رقیب، حفاظت و نگهداری، متخصصان و غیرمتخصصان، جمعی در برابر فردی/شخصی در برابر عمومی، مورد تدقیق قرار گرفته است.

مقاله چهارم تحت عنوان «مالکیت بدون مالک، مدیریت با مدیران معدود، درس-هایی از آبیاران در جهان سوم» از دونالد کرتیس است. در این فصل درباره سازمان‌ها و درک سازمان‌ها از طریق مردم‌شناسی، علم مدیریت، تحلیل اقتصادی رسمی و کاربرد این دانش‌ها در بافت میان فرهنگی بحث می‌شود. عنوان فصل اشاره به دو مجموعه از عقاید در علم مدیریت دارد که هر یک دارای پشتوانه‌ای نظری هستند و مشاوران مدیریت معمولاً در پی عرضه آنها به مشتریان خود می‌باشند. نقطه نظر مجموعه نخست مبین آن است که مدیران و دیگر کارکنان برای آن که مؤثرتر باشند لازم است در مورد شغل خود احساس «مالکیت» کنند. مالکیتی که به افراد حس مسئولیت و تعهد اعطا می‌کند. مجموعه دوم که به شکلی عمیق‌تر مورد کنکاش قرار گرفته مربوط به

ساختارها، فرایندها و روابطی است که از طریق آن مطلبی بیان می‌شود که دانشمندان علم مدیریت تمایل دارند هنگام بحث درباره «فرهنگ جدید واحدهای اقتصادی» آن را فرهنگ سازمانی بخوانند. این فصل مبتنی است بر این یافته که کشاورزان جهان سوم که به مدیریت شبکه‌های آبیاری خود می‌پردازند، درباره ساختار و فرهنگ به همان نتایجی دست یافته‌اند که دانشمندان علم مدیریت درباره ویژگی‌های مطلوب سازمان-های پاسخگو در جوامع صنعتی شمال بدان رسیده‌اند. مقاله پنجم با عنوان «نهادسازی، بررسی تناسب میان دیوان‌سالاری و نظام‌های بومی» را تریش نیکلسون نگاشته است. این مقاله به بررسی نگرش نامناسب کارگزاران و برنامه‌ریزان توسعه نسبت به مبانی فرهنگی مدیریت می‌پردازد و تأکید می‌کند که نگاه صرف به نظام‌ها و ساختارها و مقایسه آنها با کمال مطلوب‌هایی که به شکل قوم‌مدارانه تعریف شده‌اند ناکافی است. اینک همگان پذیرفته‌اند که در دسترس بودن فناوری مناسب برای توسعه کشاورزی ضروری است. آنچه به کار گرفته نشده بنا بر تعریف نامناسب است نه اینکه حاصل نادانی یا رخوت و سکون کشاورزان باشد. این امر منجر به ایجاد روش‌شناسی «پژوهش نظام‌های کشاورزی» شده است که گامی عمده به سمت درک شرایط کلی کشاورزان در بافت فرهنگی آنها و شناسایی حوزه‌های مناسب برای توسعه است. آنچه که در مدیریت توسعه مورد نیاز است شناسایی نظام‌های مدیریت مناسب بر اساس شناخت و درک مطلوب سازمان در بافت فرهنگی آن است.

«سوزان رایت» ویرایشگر کتاب مردم‌شناسی سازمان‌ها با یک‌دست کردن اصطلاحات، مفاهیم و ویرایش علمی، توانسته است بر انسجام و هماهنگی مفاهیم کتاب بیفزاید و آن را خواندنی‌تر کند. خواندن این کتاب مفید را به برنامه‌ریزان، مدیران، دانشجویان و اساتید محترم توصیه می‌کنیم.

دکتر علی شاه‌شجاعی